

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و برزنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: دکتر بینو کمیارک
ویراستاری و ارسال: طاهر باختری
۲۷ اکتوبر ۲۰۲۴

تب هسته‌ئی: جنگ افروزی علیه ایران



سلسله موفقیت‌های نظامی عراق‌آمیز اخیر – یا حداقل آن‌طور که تصور می‌شود – اسرائیل را در موقعیتی قرار می‌دهد که قبلاً به آن عادت کرده بود: قدرت در جنگ. چنین قدرتی نوید بسیاری را می‌دهد: ترسیم مجدد مرزها؛ سرنگونی دولت‌ها؛ از بین بردن توانائی‌های مخالفان و دشمنان. در این معادله به‌هیچ‌وجه به صلح فکر نمی‌شود، چه رسد به راه حل دیپلماتیک. این بوکس‌بازی در میدان بازی است که بندرت کسی از میان ماسه‌ها بیرون می‌آید. در رابطه با پیشرفت‌های اسرائیل، در واشنگتن تب و تاب به‌وجود آمده است. شیوع این بیماری شور و شوق زیادی را در دکتربنی برانگیخته است که بارها و بارها نشان داده که بشدت نامطمئن و بشدت خطرناک است. اگرچه شواهدی ملموس مبنی بر تهدید فوری منافع امریکا وجود نداشته، اما این نگرش، در بالاترین محافل برنامه‌ریزی سیاسی، خصیصه شاخص تهاجم سال ۲۰۰۳ به عراق بوده است. هدف اعلام‌شده، خلع سلاح رژیم صدام حسین بود که ادعا می‌شد سلاح‌های کشتار جمعی دارد، که البته معلوم شد که چنین نیست. منطق پشت آن تئوری، حمله پیشگیرانه بود: قبل از این که این آدم دیوانه در بغداد به ما حمله اتمی کند، ما به او حمله می‌کنیم.

دیوید ایگناتیوس، کارشناس فعال واشنگتن پست در زمینه امپراتوری و جاسوسی، ارزیابی نسبتاً ملایمی از تسلط ادعائی اسرائیل بر ایران و نیروهای نیابتی آن ارائه می‌دهد. پس از یک سال درگیری، اسرائیل «به آنچه ستراتیژیست‌های نظامی سلطه تشدید» می‌گویند، دست یافته است. مفهوم: حمله قاطع به ایران قریب‌الوقوع است. نکته اینجاست (در این مقطع، دیوانه روان‌پریش، به آسایشگاه روانی پر از داروهای آرامش‌بخش مخصوص دیوانگان پناه می‌برد) که حمله به ایران در مجموع آسیب‌چندانی در تلافی به‌همراه خواهد داشت؛ مطمئناً چند کبودی در بدن، اما بندرت زخمی دائمی به‌وجود می‌آورد. به‌منظر می‌رسد اسرائیل جادو کرده و دیدگاه خود را منتشر کرده است که ایران نقشه وحشتناکی در خزانه نظامی خود دارد: حذف اسرائیل تا سال ۲۰۴۰.

در فارین پالیسی، متیو کرونیگ، که سخاوتمندانه خود را به‌عنوان یک ستراتیژیست امنیت ملی معرفی می‌کند، خواهان جنگ است. او با اشتیاقی کودکانه ادعا می‌کند: «در واقع، اکنون فرصتی ایده‌آل برای نابودی برنامه هسته‌ای ایران است. دلیل چنین حمله‌ای در یک فرض نهفته است. بار دیگر، دکتترین پیشدستی، که مغایر حقوق بین‌الملل و منشور سازمان ملل متحد است، منطق ضعیف خود را نشان می‌دهد. در چنین مواردی، شواهد تقریباً همیشه ضعیف هستند. با این حال، کرونیگ مطمئن است. ایران ظرف چند هفته به مواد لازم برای یک بمب دست خواهد یافت. بقیه‌اش مشخص است. با توجه به اشتیاق دیرینه کرونیگ برای خلاصی از تأسیسات هسته‌ای ایران، هیچ مدرکی ارائه نمی‌شود و حتی اهمیتی هم ندارد.

شورای آتلانتیک همچنین سیاستی را پیشنهاد کرده است که می‌گوید: آنچه برای غاز آزادی مسیحی - یهودی خوب است برای جاه‌طلبی شیعه ایرانی خوب نیست. دقیقاً همین ریاکاری تمام‌عیار است که مستبدان سکولار در کوریا شمالی در برخورد با واشنگتن به آن پی برده‌اند. مراقب داروی قلبی تسلیحات هسته‌ای باشید.

گزارشی که دموکرات‌ها و جمهوری‌خواهان برای شورا نوشته‌اند، هشدار می‌دهد نامعقول و مخرب است:

ایالات متحده باید سیاستی را که به صراحت توسط رئیس‌جمهور اعلام شده است حفظ کند که دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای را تحمل نخواهد کرد و در صورت شکست همه اقدامات دیگر، از نیروی نظامی برای جلوگیری از این پیشرفت استفاده خواهد کرد.

به جای مقاومت در برابر صحبت‌های جنگ‌طلبانه، نویسندگان پیشنهاد می‌کنند که ایالات متحده از طریق اعلام «مانورهای مشترک سالانه با اسرائیل، مانند Juniper Oak، و درخواست بودجه اضافی در چرخه بودجه بعدی برای حمایت از تحقیق و توسعه تجهیزات نظامی نسل بعدی که قادر به نابودی برنامه هسته‌ای ایران هستند، ایران را تهدید کند.»

کرونیگ حماقت همیشگی خود را نشان می‌دهد. ایران هرگز نمی‌تواند سلاح هسته‌ای داشته باشد، زیرا امریکا و اسرائیل این را می‌گویند. (قدرت‌های سنی نیز با دلایلی که دارند با آن‌ها موافقت می‌کنند.) این شکل از حماقت همیشگی می‌تواند در مورد همه قدرت‌هایی که دارای سلاح هسته‌ای هستند، از جمله خود اسرائیل، صدق کند. در مقطعی، هیچ دولتی نباید و نمی‌باید آن یادگار سادیسیم احمقانه را داشته باشد. اما آن‌ها بعد از ایالات متحده، پشت سر هم آمدند: بمب شوروی، بمب بریتانیایی، بمب فرانسوی. فقط به چین، هند، پاکستان، و اسرائیل فکر کنید. کوریا شمالی شجاع و آشفته به‌اندازه کافی باهوش بود که این روند را تشخیص داد و نشان داد که جنون همیشه قابل اشتراک است.

دقیقاً همین منطق است که چنین اظهارنظرهایی را از آیت‌الله علی خامنه‌ای رهبر انقلاب ایران در مصاحبه‌ای که در اردیبهشت - ثور - انجام داده است می‌شنویم: «اگر موجودیت ایران تهدید شود، سطح بازدارندگی ایران متفاوت خواهد

بود. ما تصمیمی برای تولید ساخت بمب هسته‌ای نداریم، اما در صورت بروز چنین تهدیداتی باید دکترین هسته‌ای خود را تغییر دهیم.»

در این ماه، تقریباً ۴۰ قانونگذار در نامه‌ای که به شورای عالی امنیت ملی نوشتند خواستار بازنگری در دکترین فعلی هسته‌ای شدند. هرچه میل شخص متعصب برای حذف یک تهدید بیشتر باشد، احتمال بیشتری وجود دارد که حریف آن تهدید را مبنای قرار دهد.

با وجود تمام اکراه واهی که واشنگتن در مورد موج بعدی تجاوز نظامی اسرائیل به‌نمایش گذاشته است، همدردی و حتی علاقه زیادی نسبت به این دیدگاه وجود دارد که اشتباهات باید اصلاح شود و آخوندها مجازات شوند. حتی در برنامه‌های احمقانه انتخابات ریاست جمهوری نیز صحبت از پاسخ خصمانه‌تر به ایران است. کامالا هریس، معاون رئیس‌جمهور، در مصاحبه با برنامه «۶۰ دقیقه» گفت: «دستان ایران به خون امریکائی آلوده است، خب؟» او با طرح این ادعا گفت که تهران از جهاتی بزرگترین دشمن واشنگتن است!

جاستین لوگان، از مؤسسه کاتو، به این اظهارات احمقانه با یک حمام یخ سرد واکنش نشان داد: «ما دیگر ورماخت سال ۱۹۴۰ نیستیم». مسیر تسلط بر خاورمیانه بسختی شامل ابزارهایی مانند پروپاگاندا، عملیات نیابتی، و جنگ روانی است که «بسیار کمتر تبدیل به بزرگترین تهدید برای ایالات متحده شود».

گزینه هسته‌ای اکنون در اختیار دولتهایی است که هرگز نباید آن را می‌داشتند. اما دستیابی به موارد خطرناک غیرقابل دفاع دنبال شد. این فرض که دین‌سالاران بی‌رحم و دوستداران قطع عضو در تهران نباید آن‌ها را داشته باشند، خطسیر یک ثبات احمقانه خاص را نادیده می‌گیرد. بمب ایرانی احتمالاً قریب‌الوقوع است، و بر فانتزیست‌های قاتل در اسرائیل و ایالات متحده است که به این واقعیت فکر کنند. متأسفانه، برای بقیه ما، این وسواس علیه کسب قدرت، خطر گسترش یک درگیری متعارف را در بر دارد، و اراده و منابع قدرتی را آزمایش می‌کند که اگرچه زخمی است، اما به‌هیچ‌وجه نمی‌توان آن را شکست‌خورده تلقی کرد.

منبع: گلوبال ریسرچ، ۱۷ اکتوبر ۲۰۲۴

[Nuclear Fever: War Mongering on Iran - Global Research](#)
[Global Research - Centre for Research on Globalization](#)